



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۲۳ آبان ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تعریف پول - بررسی دو مطلب مرتبط با تعریف برگزیده -

تقسیمات پول - تقسیم اول به اعتبار و سیر تکاملی آن - تقسیم دوم به اعتبار وجود ارزش مصرفی و عدم آن

جلسه: ۱۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی دو مطلب مرتبط با تعریف برگزیده

در جلسه گذشته اجمالاً پول را تعریف کردیم و نظر خودمان را در این باره بیان نمودیم؛ لکن دو مطلب در برخی از نوشته‌ها ذکر شده که لازم است این دو مطلب را بررسی کنیم.

مطلب اول

مطلب اول این است که برخی گفته‌اند یکی از خصوصیات پول که جزء لاینفک تعریف آن است، این است که ارزش مبادله‌ای خلق می‌کند. برای پول این ویژگی را ذکر کرده‌اند و گفته‌اند با پول شدن یک چیز، ارزش مبادله‌ای جدیدی به وجود می‌آید. کلمات نویسنده در این رابطه اضطراب دارد؛ ممکن است به بعضی از بخش‌های نوشته استناد شود که منظور چیز دیگری است، این هم خیلی بعید نیست؛ اما آنچه که برجسته شده این است که با پول شدن یک چیز، ارزش مبادله‌ای جدیدی به وجود می‌آید یا پول چیزی است که ارزش مبادله‌ای خلق می‌کند.

این مطلب در کتاب «پول در اقتصاد اسلامی»^۱ که توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تألیف شده، آمده است. اما به نظر ما این مطلب صحیح نیست؛ بین واجد شدن ارزش مبادله‌ای یا ایجاد ارزش مبادله‌ای و خلق ارزش مبادله‌ای فرق است؛ ما با توجه به تعریفی که برای پول ارائه دادیم، گفتیم پول چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای است، واجد ارزش مبادله‌ای است؛ نه اینکه ارزش مبادله‌ای خلق کند، نه اینکه ارزش مبادله‌ای ایجاد کند؛ وقتی یک چیزی پول می‌شود، یعنی دارای ارزش مبادله‌ای می‌شود. پس بین اینکه پول خودش دارای ارزش مبادله‌ای است یا چیزی است که ارزش مبادله‌ای خلق و ایجاد می‌کند، فرق است؛ حداقل این است که این تعبیر به نظر ما دچار تسامح است. حتی اگر ادعا شود که منظور نویسنده این نیست و مثلاً همان است که بنده عرض می‌کنم، این تعبیر چندان گویا و واضح نیست.

سؤال:

استاد: بحث در ایجاد یا وجود این ارزش است؛ ما می‌گوییم در نظر دقیق، هر چیزی که دارای ارزش مبادله‌ای شود، نامش پول است؛ نه اینکه پول چیزی است که ارزش مبادله‌ای خلق کند؛ یا این تعبیر که با پول شدن یک چیز، ارزش مبادله‌ای جدیدی به وجود می‌آید، قطعاً درست نیست. امر دایر بین وجود و عدم این ارزش مبادله‌ای است، نه اینکه پول مثلاً خودش یک ارزش مبادله‌ای دارد؛ آن وقت یک ارزش مبادله‌ای جدید ایجاد می‌کند، مگر اینکه بگویند منظور از ارزش مبادله‌ای موجود، یعنی ارزش مبادله‌ای بالقوه؛ بگویند یعنی پول یک چیزی است که ارزش مبادله‌ای بالقوه دارد، ولی وقتی رغبت به آن

۱. پول در اقتصاد اسلامی، ص ۱۶.

صورت می‌گیرد، این ارزش مبادله‌ای فعلیت پیدا می‌کند، که در کلمات آنها این هم هست؛ برای همین است که من عرض کردم ممکن است در دفاع از نویسنده گفته شود منظور اینها آن است که ارزش مبادله‌ای دارد، نه اینکه یک ارزش مبادله‌ای جدید ایجاد می‌کند. ولی این با این تعابیر خیلی سازگار نیست؛ اینکه با پول شدن یک چیز ارزش مبادله‌ای جدیدی به وجود می‌آید یا اینکه پول چیزی است که ارزش مبادله‌ای خلق می‌کند، این تعابیر دقیق نیست. اما اینکه در توجیه مطلب گفته شود منظور این است که این ارزش از قوه به فعلیت می‌رسد، این را در ادامه مطلب دوم عرض خواهیم کرد.

مطلب دوم

مطلب دوم، مطلبی است که در همین کتاب ذکر شده که ارزش مبادله‌ای بالقوه در چیزی که می‌خواهد پول شود، وجود دارد؛ یعنی هر چیزی که دارای ارزش مبادله‌ای بالقوه باشد و رغبت به سوی آن محقق شود، این می‌شود پول. پس کأن هر چیزی نمی‌تواند پول باشد؛ پول فقط چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای بالقوه هست، لکن وقتی رغبت به آن صورت می‌گیرد یا اعتبار می‌شود، تبدیل به پول می‌شود. سؤال این است که آیا ارزش مبادله‌ای بالقوه برای پول شدن و برای اینکه یک چیزی عنوان پول پیدا کند، لازم است یا نه؟ آقایان در این نوشته^۱ روی این تأکید دارند که پول ابتدا یک ارزش مبادله‌ای بالقوه دارد مثل طلا و نقره؛ طلا و نقره که یک ارزش مصرفی و استعمالی دارد، یعنی مردم صرف نظر از اینکه این به عنوان پول دارای ارزش مبادله‌ای شود، برای خود این ارزش قائل هستند و از آن استفاده می‌کنند، حالا هر استفاده‌ای. ولی این ارزش استعمالی یا مصرفی در واقع بالقوه ارزش مبادله‌ای دارد؛ این کالا و این طلا و نقره می‌تواند به عنوان چیزی که در مبادله مورد استفاده قرار می‌گیرد، در نظر گرفته شود. لذا تأکید این است که پول برای پول شدن ابتدا باید این ارزش مبادله‌ای را بالقوه دارا باشد، بعد وقتی رغبت به سوی آن ایجاد شد و به عنوان مبادله از آن استفاده شد، این ارزش مبادله‌ای فعلیت پیدا می‌کند. عبارت را دقت بفرمایید: به طور کلی پول چه حقیقی و چه اعتباری، ارزش مبادله‌ای بالفعل جدیدی ایجاد می‌کند؛ این همان بی‌دقتی است که من عرض می‌کنم؛ معلوم است روی تعابیر خیلی فکر نشده است. می‌گویند ارزش مبادله‌ای بالفعل جدید؛ این خیلی حرف عجیبی است. ما در توجیه این گفتیم ارزش مبادله‌ای بالقوه را می‌توانیم بپذیریم که تازه همان هم اشکال دارد و در ادامه عرض خواهیم کرد؛ اما ارزش مبادله‌ای بالفعل جدید، واقعاً صحیح نیست و حداقل این است که عبارت گرفتار تسامح است.

سؤال:

استاد: دیگر ارزش مبادله‌ای بالفعل ندارد، آن همان ارزش مصرفی است؛ تا زمانی که پول نشده که ارزش مبادله‌ای بالفعل پیدا نکرده است ... آن هم اگر منظور باشد اشکال دارد.

نویسنده می‌گوید به طور کلی پول (چه حقیقی و چه اعتباری) ارزش مبادله‌ای بالفعل جدیدی ایجاد می‌کند که قبلاً به صورت بالقوه در کالا (به تناسب خصوصیات آن) یا در اعتبار اعتبارکننده وجود داشت. کأن این ارزش قبلاً به صورت بالفعل بوده؛ حالا می‌گوید در کالا یا در اعتبار اعتبارکننده. اشکال این است که اگر ما بگوییم ارزش مبادله‌ای بالقوه باید در چیزی موجود باشد تا بتواند پول شود، این فقط در مورد پول‌های حقیقی صادق است، اما در مورد پول‌های اعتباری صدق نمی‌کند. در مورد پول‌های حقیقی طبیعتاً ارزش مبادله‌ای بالقوه وجود دارد؛ طلا و نقره یک پول حقیقی است؛ این قبل از اینکه پول شود، ارزش

۱. همان.

مصرفی و استعمالی دارد و اصلاً خودش یک چیزی است که دارای ارزش است و از آن استفاده می‌کنند؛ یا مثلاً کالاهایی که پول شدند، مثلاً نمک یک زمانی پول کالایی بود و دارای ارزش مصرفی بود، یعنی خودش مورد استفاده و مورد استعمال بود و از آن برای مصارفی استفاده می‌کردند؛ اما به خاطر این ارزش مصرفی، بالقوه دارای ارزش مبادله‌ای هم بود. لذا در یک برهه‌ای وقتی رغبت به سوی آن پیش آمد، این ارزش مبادله‌ای فعلیت پیدا کرد، یعنی خودش شد پول که با آن ارزش سایر کالاها را می‌سنجیدند؛ پول فلزی هم همینطور. اما پول‌های اعتباری این چنین نیستند؛ اسکناس‌های امروزی خودشان هیچ ارزش مصرفی ندارند؛ خود آن کاغذ ولو یک ارزش مختصری دارد، اما این به درد نمی‌خورد؛ تا زمانی که اعتبار پشت آن نیامده و یک معتبری - حالا یک دولت یا یک مؤسسه مالی - این را به عنوان پول اعتبار نکرده، هیچ ارزش مصرفی و استعمالی ندارد؛ لذا اصلاً بالقوه دارای ارزش مبادله‌ای نیست. در پول اعتباری همه چیز دایر مدار اعتبار معتبر است؛ اینکه معتبر این اعتبارش را چگونه باید کسب کند و از کجا کسب کرده، این بماند؛ فرض می‌کنیم این اعتبار هست، یعنی معتبر صلاحیت اعتبار را دارد. اگر فرض کنید یک دولتی آمد یک کاغذی را به عنوان پول قرار داد، این پول است و تا قبل از این یک کاغذ معمولی بود؛ آیا قبل از اینکه این اعتبار صورت بگیرد، دارای ارزش مبادله‌ای بالقوه بود؟ لذا اینکه تأکید شده پول چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای به صورت بالقوه هست اما وقتی مردم به آن رغبت می‌کنند این ارزش مبادله‌ای فعلیت پیدا می‌کند و رسماً به عنوان پول شناخته می‌شود، این تعریف و بیان بر پول اعتباری صادق نیست.

لذا ما به هر دو مطلب این آقایان اشکال داریم و به نظر ما این اشکال وارد. لذا پول چیزی است که واجد ارزش مبادله‌ای باشد، یا به اعتبار معتبر یا به رغبتی که از سوی مردم به جهت ارزش مصرفی آن حاصل می‌شود. حالا آن هم به یک معنا می‌شود قرارداد عقلایی، آن هم ممکن است یک نوع اعتبار تلقی شود، منتهی اعتباری که برگرفته از عالم واقعیت و عین است. دوم، مسأله ایجاد ارزش مبادله‌ای جدید یا خلق ارزش مبادله‌ای جدید هم حرف درستی نیست؛ پول خودش واجد ارزش مبادله‌ای است، نه اینکه ارزش مبادله‌ای را ایجاد کند.

سؤال:

استاد: مسلّم ایجاد شده، من گفتم به نظر دقی این حرف درست نیست مگر اینکه توجیه کنیم و بگوییم منظور اینها از ایجاد، یعنی واجد شدن؛ اما این می‌گوید ارزش مبادله‌ای بالفعل جدیدی ایجاد می‌کند. واجد شدن غیر از ایجاد یک ارزش مبادله‌ای و خلق ارزش مبادله‌ای است. حرف ما این است که چیزی تا ارزش مبادله‌ای پیدا نکند پول نیست؛ هر چیزی که واجد این ارزش شد، می‌شود پول. پس واجد شدن این ارزش، غیر از این است که بگوییم جزء لاینفک پول این است که ارزش مبادله‌ای خلق می‌کند. کآن در آن یک بعدیتی وجود دارد؛ نباید بگوییم خلق می‌کند، نباید بگوییم ارزش مبادله‌ای جدید پیدا می‌کند، نباید بگوییم ارزش مبادله‌ای ایجاد می‌کند، باید بگوییم ارزش مبادله‌ای را واجد می‌شود؛ آن وقتی که ارزش مبادله‌ای را واجد شد، تازه می‌شود پول.

بنابراین، این اشتباه فاحشی است که در این نوشته وجود دارد و به نظر ما تعریف پول همان است که ما عرض کردیم.

تقسیمات پول

بعد از تعریف پول، باز در ادامه موضوع شناسی که همه اینها را ما باید بدانیم و ناچاریم به عنوان مقدمه بحث‌های فقهی ذکر

کنیم، نوبت می‌رسد به تقسیمات مختلف پول و اقسامی که پول به واسطه این تقسیمات پیدا می‌کند. پول از چند منظر تقسیماتی دارد؛ یعنی به اعتبارات مختلف دارای اقسامی می‌شود. تا اینجا ما به دو تقسیم اشاره کردیم، هر کدام از این دو تقسیم هم به یک اعتبار بود.

تقسیم اول: تقسیم پول به اعتبار سیر تکاملی آن

تقسیم اول، تقسیم پول به اعتبار سیر تکامل و تحول آن است؛ ما گفتیم پول به اعتبار اینکه یک آغازی داشته و تا به امروز چند مرحله را طی کرده و به همین جهت دارای اقسامی است. پول کالایی، پول فلزی، پول کاغذی، پول تحریری را هم اگر ذکر کنیم، پول الکترونیکی که فعلاً کاری نداریم اطلاق پول بر این کارت‌ها و این راه‌های جدیدی که برای نقل و انتقال ایجاد شده، صحیح است یا نه، اما این عنوان شایع شده است؛ بالاخره پول از کالا شروع شده تا رسیده به امروز و به اصطلاح پول الکترونیکی؛ این یک تقسیم است که قبلاً هم اشاره کردیم.

تقسیم دوم: تقسیم پول به اعتبار وجود ارزش مصرفی و عدم آن

تقسیم دوم، تقسیم پول به اعتبار وجود ارزش مصرفی و عدم آن است. از این جهت پول بر دو قسم است:

۱. پول حقیقی و پول اعتباری است؛ پول حقیقی پولی است که در آن هم ارزش مصرفی وجود دارد و هم ارزش مبادله‌ای، هر چند ارزش مصرفی آن به کلی از حیث ارزش مبادله‌ای جدا شده و آنچه مورد توجه قرار گرفته، تنها ارزش مبادله‌ای آن است، مثل درهم و دینار؛ طلا و نقره ارزش مصرفی دارند و چند بار هم اشاره کردیم، یعنی خود طلا و نقره با قطع نظر از اینکه یک وسیله‌ای باشند که با آن مبادله صورت می‌گیرد، دارای ارزش مصرفی هستند و مورد استعمال قرار می‌گیرند، بهره‌برداری می‌شوند؛ اما وقتی که پول می‌شود، یک ارزش مبادله‌ای هم پیدا می‌کنند. پس در پول حقیقی این دو توأمان وجود دارد، هر چند ارزش مصرفی آن در این هنگام نادیده گرفته می‌شود و آن حیثیتش مورد توجه نیست. اما در پول اعتباری مسأله فرق می‌کند.

۲. پول اعتباری چیزی است که هیچ ارزش مصرفی ندارد، تنها واجد ارزش مبادله‌ای است؛ یا به تعبیر برخی ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است و الا هیچ ارزشی ندارد. تمام ارزش پول اعتباری به اعتبار است؛ به محض اینکه این اعتبار و این امضا از پای آن کنار برود، هیچ فرقی با کاغذ پاره ندارد. پول اعتباری اساساً دارای ارزش مصرفی نیست. دانستن اینها از این جهت مهم است که ما وقتی می‌خواهیم بحث کنیم، پول مالیت دارد یا ندارد، اینکه پول مثلی است یا قیمی، معلوم باشد که درباره چه پولی بحث می‌کنیم. اینها همه در مسأله ضمان و ضامن بودن نسبت به کاهش ارزش پول اثر دارد. پس اعتبار این تقسیم‌ها با هم کاملاً متفاوت است.

بحث جلسه آینده

تقسیم سوم برای پول، تقسیم به اعتبار مقام ناشر است؛ یعنی نشر دهنده و توزیع‌کننده آن، منتشرکننده آن، حالا این ممکن است بیشتر مربوط به پول‌های اعتباری باشد. از این جهت پول دارای چند قسم است، که در جلسه آینده بیان خواهیم کرد. سه چهار تقسیم دیگر برای پول باقی مانده که آنها را هم باید بگوییم تا بعد به ماهیت پول بپردازیم.